

# بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران

اسفندیار جهانگرد - حمید محبوب

توزیع درآمد در هر جامعه‌ای علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، بر ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است و هر رویداد اقتصادی به توزیع درآمد، ناگزیر پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد داشت. این مقوله، نظر به اهمیت آن، در بحث‌های اقتصادی همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی از جمله سیاست‌گذاران اقتصادی کشورمان بوده و هست. بدین منظور در این پژوهش با استفاده از مدل «شبه داده - ستانده» ("Semi input-output") که در قالب برنامه‌های اشتغال‌سازمان بین‌المللی کار (ILO) طرح و گسترش یافته سعی در بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین‌تر متغیرهای کلان اقتصادی ایران داریم. به عبارت دیگر، در این پژوهش به دنبال این مطلب هستیم که آیا توزیع مجدد درآمد منجر به رشد اقتصادی خواهد شد یا خیر. در انجام این پژوهش از جدول داده - ستانده سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران در قالب چهاربخش تجميع شده کشاورزی، معدن، صنعت و خدمات با فرض تکنولوژی کالا استفاده خواهد شد.

## مقدمه

عدالت اجتماعی، کارآیی اقتصادی و آزادی اقتصادی مفاهیم محوری دانش اقتصاد و به عبارت دقیق‌تر فلسفه اقتصادی را تشکیل می‌دهند. تعریف این مفاهیم و تعیین تقدم و تأخر آن‌ها در فرآیند اقتصادی، منشأ شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف و رقیب بوده است.

تاریخ علم اقتصاد گواه است که اگرچه در مورد مقوله توزیع درآمد از لحاظ روش‌شناسی و میزان پرداختن به آن اختلاف نظر وجود داشته اما همواره دارای اهمیتی در خور و جایگاهی ویژه بوده است. به‌طور مثال، کلاسیک‌ها توزیع درآمد را براساس طبقات اجتماعی مورد

ارزیابی قرار می‌دادند و این مکتب بر تولید و عوامل تولید (زمین، سرمایه و کار) و وظایف هر کدام از آن‌ها تمرکز داشت، لذا توزیع را نیز بر مبنای سهم هر یک از منابع یاد شده از میزان عواید تولید بررسی می‌کردند. از طرف دیگر نئوکلاسیک‌ها توزیع درآمد را بر مبنای فلسفه فردگرایی و جزئی‌نگری تحلیل می‌کرده‌اند و با گذشت زمان دیدگاه‌های متعددی در خصوص توزیع درآمد ارائه نموده‌اند. کینزی‌های<sup>۱</sup> اولیه نیز ارتباط میان توزیع درآمد و مصرف را به صورت بررسی تأثیرات بهبود توزیع مجدد درآمد بر مصرف کل مورد توجه قرار می‌دادند، به طوری که در چارچوب نظریات آن‌ها بهبود توزیع مجدد درآمد از طریق انتقال میل به پس‌انداز بالا به سمت میل زیاد به مصرف موجب افزایش مصرف و تولید می‌شود. اما در نظریات متأخر به خصوص گروه متشکل در سازمان بین‌المللی کار در دهه ۷۰ میلادی، الگوی مصرف خصوصی که از طریق آن تغییر در توزیع درآمد بر اشتغال اثر می‌گذارد مورد توجه خاص واقع گردید. سئوالی که همواره مدنظر است این است که آیا می‌توان این دیدگاه‌ها یا رویکردهای متفاوت مذکور را در چارچوب یک مدل منفرد مورد ارزیابی قرار داد؟ و آیا می‌توان از یک مدل به عنوان پلی برای ارتباط این دیدگاه‌ها استفاده کرد؟

مقاله حاضر پژوهشی است در این زمینه و مدلی که در آن ارائه می‌شود، در چارچوب تعادل عمومی اقتصاد نه تنها توزیع درآمد را از دیدگاه‌های مذکور توضیح می‌دهد، بلکه تأثیرات آن‌ها را به طور همزمان بر ساختار تولیدی بخش‌های مختلف، اشتغال، سرمایه، پس‌انداز و غیره مورد توجه قرار می‌دهد. توجه به منطبق موجود در بطن مدل مشخص می‌سازد که الگو به طور همزمان قادر است تغییر در درآمد شخصی گروه‌های درآمدی (شهری، روستایی) را از طریق تغییر مصرف خصوصی و تغییر در تولید بخش‌ها به تغییر درآمد شخصی اولیه بخش‌ها پیوند دهد. برای این منظور از آخرین جدول داده - ستانده ایران تاکنون (یعنی جدول سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران) در قالب چهار بخش اصلی اقتصاد استفاده شده است.

## بررسی رشد و توزیع درآمد

### الف) مفهوم توزیع و توزیع مجدد درآمد

یک تعریف کوتاه و مفید در مورد توزیع درآمد ملی همان است که مایکل تودارو بیان داشته است: «چه کسی، چه مقدار، از چه چیز را به دست می آورد؟»

نحوه توزیع درآمد که در واقع نشان دهنده چگونگی تقسیم عواید بین عوامل تولید است، اساس بسیاری از نظریه‌های اقتصادی است. مسأله توزیع درآمد برحسب این که درآمد بین چه عواملی توزیع می‌شود، قابل بررسی است. توزیع درآمد را می‌توان میان اجزای درآمد ملی و سهم هر جزء از درآمد ملی (مانند سرمایه‌گذاری، مصرف و ...) بیان نمود، یا می‌توان توزیع را در رابطه با توزیع میان افراد جامعه یا توزیع شخصی درآمد<sup>۱</sup> تعریف کرد.

در تعریف توزیع درآمد می‌توان بین دو واژه توزیع اولیه درآمد<sup>۲</sup> و توزیع مجدد درآمد<sup>۳</sup> تفاوت قائل شد. توزیع اولیه درآمد همان توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید<sup>۴</sup> است. بدین نحو که معمولاً در اقتصاد سرمایه‌داری بیان می‌شود، سهم هر عامل تولیدی از کل تولید بستگی به تولید نهایی آن عامل دارد، و نظریه توزیع اولیه درآمدها نیز از همین جا ناشی می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به تقسیم محصول برحسب عوامل تولید در نظام کشاورزی ایران اشاره کرد که در آن عامل کار (زارع) یک سهم و مالک چهار سهم (برای تهیه سایر عوامل تولید مانند آب، زمین، بذر و گاو) دریافت می‌داشتند که البته این نسبت تغییر کرده است. اقتصاددانان کلاسیک و بعد از آن‌ها مارژینالیست‌ها براساس بهره‌وری نهایی (تولید نهایی) هر عامل تولید به هر عامل تولید سهمی از درآمد را نسبت می‌دادند. چنانچه توزیع اولیه درآمد از نظر ریکاردو و اسمیت، به صورت تقسیم درآمد به مزد، سود و اجاره بوده است. از آن‌جا که محور استدلال کلاسیک‌ها در مفهوم تعادل اقتصادی همان دست نامرئی بوده است، در نظریات خود جایی برای توزیع مجدد درآمد باقی نگذاشته و معتقد بودند که همان توزیع اولیه درآمد موجب رسیدن به تعادل اقتصادی خواهد شد. به بیان دیگر، چون توزیع مجدد درآمد منوط به حضور دولت است، لذا این امر به نظر آنان زائد بوده است و با همان توزیع اولیه درآمدها و به کمک دست نامرئی می‌توان تعادل اقتصادی را برقرار کرد.

1. personal distribution of income

3. redistribution of income

2. initial distribution of income

4. function of distribution income

امروزه اهمیت نقش دولت در مسأله توزیع عادلانه درآمد به حدی است که تقریباً تمامی علمای اقتصاد یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. مضافاً اینکه در نظریات امروزی اقتصاد کلان، حتی در نظام‌های سرمایه‌داری غرب که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند، هنگام مواجهه با مسائلی که دست نامرئی قادر به حل آن‌ها نیست، اهمیت نقش دولت در امور اقتصادی هرچه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. در این راه نظریه توزیع مجدد درآمد به عنوان راهی برای تعدیل توزیع اولیه درآمدها و خصوصاً از بین بردن فقر مطلق مطرح است.

لذا در بحث توزیع درآمد در نظام‌های صنعتی با استفاده از دوروش سعی می‌شود که فقر و محرومیت برطرف شود و شکاف‌های عمیق درآمدی در حد ممکن به طرف تساوی برود که این دوروش عبارت‌اند از:

۱. پایه‌گذاری و اجرای یک نظام مؤثر مالیات تصاعدی؛

۲. طراحی و به کارگیری یک نظام برتر و کارای تأمین اجتماعی.

علاوه بر این دوروش، سایر عوامل هم‌دراین جوامع (کشورهای صنعتی پیشرفته) به تدریج فقر را محدود و توزیع را متعادل می‌کند (مثلاً اشتغال‌زایی تولید و تقویت بافت تخصصی نیروی کار). پس توزیع درآمد شاخص ارتباطی و واسطه‌ای رفاه اجتماعی و بویایی اقتصادی است.

### ب) رشد اقتصادی

رشد اقتصادی عبارت است از افزایش مادی کل درآمد ملی یا محصول ناخالص ملی یک جامعه طی دوره معین. این افزایش به صورت درصد تغییرات درآمد ملی یک جامعه نسبت به سال قبل مطرح می‌شود و در مفهوم کلی خود صرفاً پدیده‌ای کمی است.

پروفسور گورنار میردال نیز همین تعریف را تأیید کرده است. از دیدگاه وی رشد اقتصادی به صورت افزایش در محصول ناخالص ملی تعریف می‌شود. علاوه بر این تعریف، مایکل تودارو درباره رشد اقتصادی چنین گفته است: فرایند پایداری که در اثر آن ظرفیت تولید اقتصادی طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود. اما از نظر سیمون کوزنتس رشد اقتصادی مفهومی دقیق‌تر دارد. براساس تعریف وی رشد اقتصادی عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هرچه متنوع‌تر

اقتصادی به مردم.

تعریف دیگری نیز با اندکی تفاوت درباره رشد ارائه شده است: «رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود.» (قره‌باغیان، ۱۳۷۰).

بنابراین مرور اکثر تعاریف با اندکی تغییرات همه از یک مفهوم مشترک جانبداری می‌کنند: «رشد اقتصادی یعنی افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه.»

### ج) رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی

دیدگاه‌های مختلفی درباره نقش توزیع درآمد و رشد اقتصادی وجود دارد. همان‌طور که در متون توسعه اقتصادی مطرح است، رشد و توسعه اقتصادی از جمله مقولاتی است که دارای رابطه‌ای «متقابل»، «تفکیک ناپذیر» و «پیچیده» و تا حدودی «بحث‌انگیز» با توزیع درآمد است. رابطه «متقابل» از آن جهت مطرح است که هم رشد اقتصادی بر توزیع درآمد اثر دارد (رشد محصول ناخالص ملی باعث تغییر بنیان‌ها و روابط اقتصادی و همچنین توزیع مجدد منافع حاصل از رشد می‌شود) و هم توزیع درآمد بر رشد اقتصادی اثر دارد. رابطه «تفکیک ناپذیر» از آن جهت است که نمی‌توان رشد را بدون تأثیرات توزیعی یا توزیع را بدون تأثیرات آن بر رشد مورد بررسی قرار داد. رابطه «پیچیده» بدان جهت که اثر متقابل این دو موضوع به صورت تأثیر بر سایر عوامل اقتصادی صورت می‌گیرد. مثلاً رشد ابتدا بنیان اقتصادی را تغییر می‌دهد و سپس از آن طریق، بنیان توزیع درآمد را دستخوش تغییر می‌کند. لذا رابطه رشد و توزیع رابطه‌ای ساده نیست و پارامترهای بسیار همچون متغیرهای اقتصادی، سیاسی، نهادی و ... بر نحوه ارتباط آن‌ها اثر می‌گذارد. اما «بحث‌انگیز» بودن رابطه رشد و توزیع درآمد از چند جهت قابل طرح است: اولاً هنوز بحث‌های فراوانی در باب آثار متقابل رشد و توزیع درآمد از جهت مثبت یا منفی بودن این آثار وجود دارد. ثانیاً هنوز مسأله اساسی این است که چه عواملی غیر از رشد بر توزیع درآمد مؤثرند. جواب بعضی اقتصاددان‌ها «ساخت اقتصادی» است و پاسخ عده‌ای دیگر «عوامل اجتماعی و سیاسی». با توجه به این مقدمه، حال به بررسی ارتباط بین رشد و نابرابری می‌پردازیم و سپس

استدلالات درجهت اثبات و نفی آثار توزیع درآمد بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱. ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد

سیمون کوزنتس در مقاله معروف خود در ۱۹۵۵ در مورد رشد اقتصادی و نابرابری درآمد این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نابرابری در توزیع درآمد طی دوره رشد اقتصادی کاهش یا افزایش داشته است. هسته اصلی تحلیل کوزنتس این فرضیه است که «تغییرات در سطح نابرابری اقتصادی از تغییرات در نرخ رشد ناشی می‌شود.» درحقیقت بیشتر بحث او به ساختن تئوری در این مورد که چگونه تغییرات نرخ رشد بر نابرابری اقتصادی اثر دارند (رشد علت نابرابری) اختصاص یافته است. (کوزنتس، ۱۹۵۵).

در مقابل نظر کوزنتس، گونار میردال مطرح می‌کند که «افزایش نابرابری اقتصادی در یک کشور به‌طور معکوس رشد اقتصادی آن را متأثر می‌سازد،» یعنی افزایش نابرابری باعث کاهش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری باعث افزایش رشد است. میردال این عقیده را مطرح می‌سازد که «عدم وجود محرک‌های اقتصادی و نارضایتی و اغتشاشات سیاسی، زمانی که نابرابری به سطح حساسی برسد، به وجود می‌آید و لذا اغتشاشات و تغییرات ناگهانی اجتماعی و سیاسی، نظم فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را برهم زده و باعث کاهش نرخ رشد می‌گردد.» با توجه به این نظریات، از نظر شواهد تجربی ارتباط بین رشد و نابرابری اهمیت به‌سزایی از جهت سیاست‌گذاری برای کشورهای درحال توسعه دارد. لذا باید دید که آیا فعالیت یک کشور برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر منجر به دستیابی به یک توزیع درآمد نهایی بهینه می‌شود یا باید توزیع درآمد و مخارج به عنوان یک محصول جانبی رشد اقتصادی تلقی گردد. (حسین عظیمی، ۱۳۷۰).

### ۲. توزیع درآمد اثر منفی بر رشد دارد

بعضی از استدلال‌کنندگان معتقدند که نابرابری توزیع درآمد یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی است. زیرا درآمد افراد ثروتمند جامعه یکی از ضروری‌ترین شرایط لازم را برای پس‌انداز که اساس سرمایه‌گذاری است، فراهم می‌کند و در واقع رشد اقتصادی و

درآمد ملی منوط به پس انداز گروه‌های پردرآمد است. اساس استدلال این عده این است که اگر جامعه را به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم کنیم، میل نهایی به پس انداز طبقات ثروتمند بیش از طبقه فقیر است (و در نتیجه میل نهایی به مصرف ثروتمندان کمتر از فقراست). لذا هرچه درآمد جامعه بیشتر به سوی افراد پردرآمد برود قسمت بیشتری از آن صرف پس انداز می‌شود و به دنبال آن با افزایش سرمایه‌گذاری، رشد با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد. در نتیجه، این عده با این استدلال نسبتاً ساده و صریح مدعی هستند که توزیع بسیار نابرابر درآمد شرط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی است. البته این عده معتقدند پس از طی مراحل اولیه توسعه (رسیدن به حد کافی رشد) خودبه‌خود عامل تعدیل درآمد در جامعه به وجود می‌آید. اساس این نظریه بر این استدلال متکی است که اگر کشش جانشینی سرمایه به نیروی کار کمتر از واحد و رشد اقتصادی همراه با افزایش سرمایه باشد، بهره‌وری نیروی کار در تولید تدریجاً افزایش می‌یابد و در نهایت تمرکز درآمدها در طول زمان کاهش می‌یابد.

پس به زعم این عده رابطه مستقیمی میان نابرابری در توزیع درآمد و رشد سریع اقتصادی وجود دارد. کوزنتس بر این عقیده است که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، توزیع درآمد بدتر می‌شود و در مراحل بعد بهبود می‌یابد. اگرچه اطلاعات مربوط به کشورهای غربی این نظر را تأیید می‌کند، ولی با نگاهی به اطلاعات کشورهای در حال توسعه (جهان سوم)، طبق نظر مایکل تودارو، درمی‌یابیم که این نظر چندان قانع‌کننده نیست.

پروژه‌های علمی و مطالعات علمی  
مجله علمی و تحقیقاتی

۳. توزیع درآمد اثر مثبت بر رشد دارد  
به قول مایکل تودارو، به چهار دلیل بسیاری از اقتصاددانان توسعه، تضاد میان رشد سریع اقتصادی و توزیع برابر درآمد را غیر قابل قبول می‌دانند و معتقدند که برابری بیشتر در کشورهای در حال توسعه کنونی در واقع می‌تواند شرط رشد اقتصادی درون‌زا باشد، این چهار دلیل عبارت‌اند از:

۱. بررسی‌های تجربی و حقایق کنونی در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که برخلاف کشورهای توسعه‌یافته امروزی، در کشورهای در حال توسعه کنونی، ثروتمندان منافع خود را در «اقتصاد محلی» مصرف نمی‌کنند، این کشورها به اتلاف درآمد خود از راه خرید کالاهای لوکس وارداتی، مسافرت به خارج از کشور، ساختن خانه‌های گران‌قیمت همچون کاخ، یا

سرمایه‌گذاری در طلا و جواهرات و واریز به حساب‌های بانکی خارج از کشور می‌پردازند. چنان‌که مشخص است، این پس‌اندازها و مصرف‌ها هرگز نمی‌تواند مولد رشد اقتصادی باشد. این امور علاوه بر خروج سرمایه‌ها از کشور و پایین آوردن توان مالی کشور، به تولیدکنندگان داخلی نیز ضربه می‌زنند.

حتی شواهد تجربی نشان می‌دهد که درآمد سرشار ثروتمندان ناشی از مکانیسم رشد تولید داخلی نیست، بلکه دسترنج کارگران عادی و فقیر جامعه است، یا ناشی از ثروت فروشی همچون کشورهای عمده صادرکننده نفت (اوپک) است. بنابراین، استراتژی رشد که بر مبنای نابرابری قابل توجه و در حال رشد درآمدها قرار دارد ممکن است در واقعیت چیزی بیش از افسانه‌ای فرصت‌طلبانه به منظور ابقای طبقات سرمایه‌دار و حفظ وضع موجود اقتصادی و سیاسی طبقات ممتاز کشورهای جهان سوم نباشد که اغلب به زیان اکثریت عظیم جمعیت این کشورها است. چنین استراتژی‌هایی را می‌توان به‌طور صحیح‌تر «ضد توسعه» نامید.

۲. درآمد کم و سطح نازل زندگی فقرا چه در زمینه بهداشت، آموزش، تغذیه و مانند آن بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد و منجر به کاهش نرخ رشد می‌شود. بنابراین هرچه بهره‌وری پایین‌تر باشد با یک میزان عوامل تولیدی مشخص، از تولید کاسته شده و اثر تخریبی بر رشد برجای خواهد گذاشت. پس با توجه به رابطه توزیع نابرابر درآمد با کاهش بهره‌وری اقتصادی، از آن‌جا با کاهش رشد اقتصادی نتیجه می‌شود که برای افزایش رشد اقتصادی درآمدها باید برابرتر شوند.

۳. اگر چنانچه بر اثر سیاست توزیع عادلانه درآمد، درآمد فقرا افزایش یابد، با توجه به این‌که تقاضای افراد کم‌درآمد اکثراً برای کالاهای ضروری بازارهای داخلی و محلی است و از طرف دیگر ثروتمندان تمایل دارند که بیشتر درآمد اضافی خود را صرف خرید کالاهای تجملی وارداتی کنند، به این ترتیب، افزایش سطح درآمد فقرا شرایط رشد اقتصادی سریع و مشارکت توده‌های مردم در این رشد را به وجود می‌آورد. بنابراین، برای حمایت از صنایع داخلی و رسیدن به رشد اقتصادی، باید سهم گروه‌های کم‌درآمد از کل درآمدها به وسیله سیاست‌های توزیع عادلانه درآمد بیشتر شود، یعنی به برابری بیشتری رسید.

۴. مورد آخر، مسئله انگیزه نیرومند مادی برای مشارکت همگانی در فرایند توسعه است. توزیع عادلانه انگیزه‌ای قوی در استمرار توسعه و توزیع نابرابر مانعی جدی در این راه است.



هرچه توزیع درآمد در جهت برابری بیشتر باشد، علاقه‌مندی بیشتری به تحقق اهداف رشد و توسعه اقتصادی در مردم پدیدار می‌شود.

#### ۴. رشد همراه با توزیع درآمد بهتر (جمع‌بندی)

اگر هدف‌های توسعه را به‌خاطر آوریم خواهیم دید که یکی از هدف‌های توسعه و از عوامل اصلی هر برنامه واقع‌بینانه توسعه‌ای، برطرف کردن فقر، به‌علاوه رشد سریع اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر درآمد است، و این عوامل به‌عنوان هدف‌های توسعه لزوماً با یکدیگر ناسازگار نیستند. مسأله انتخاب بین رشد بیشتر یا برابری بیشتر مطرح نیست، بلکه انتخاب نوع رشد اقتصادی است که کشورهای جهان سوم خواستار دنبال کردن آن هستند.

در حال، فعلاً می‌توانیم نتیجه بگیریم که استراتژی توسعه نه‌تنها مستلزم تسریع رشد اقتصادی است بلکه مستلزم آن است که سطح زندگی مادی گروه‌های بسیار وسیع جمعیت جهان سوم که عمده در جریان رشد اقتصادی دو دهه گذشته ثابت مانده است بهبود یابد. بنابراین، هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی و همه شمول، البته با تأکید خاص بر تسریع رشد درآمد گروه‌های بسیار فقیر باشد. چنین هدفی مستلزم استراتژی متفاوت از استراتژی به‌حداکثر رساندن نرخ رشد محصول ناخالص ملی است.

با توجه به نظرهای متفاوت در باره این مسأله که آیا رشد عامل نابرابری (ثوری‌هایی که رشد را عامل نابرابری می‌دانند) یا این که نابرابری عامل رشد است، در مجموع می‌توان قضاوت کرد که ماهیتاً در اوایل مراحل توسعه درآمد نامتعادل می‌شود و سپس پس از مدتی با مکانیسم‌های غیرارادی (همچون آموزش) و ارادی (مالیات، عوارض، تأمین اجتماعی و جز آن) متعادل می‌گردد. از این جهت از نظر اقتصادی نباید نگران توزیع نامتعادل درآمد در جامعه شد، زیرا به‌قول طرفداران این نظریه (همچون کوزنتس) اگر جلوی عدم تعادل درآمد را بگیریم، درحقیقت جلوی رشد را گرفته‌ایم، که به این تضاد بین رشد و توزیع درآمد می‌گویند. آنان همچنین اظهار می‌دارند که باید بین این دو یعنی رشد و توزیع عادلانه درآمد یکی را انتخاب کرد. لازم به‌تذکر است که این تحلیل‌ها مربوط به جوامعی است که امروزه صنعتی شده‌اند و در واقع این تحلیل درباره کشورهای توسعه یافته امروزی با توجه به شرایط زمانی آن روز صادق است و هیچ دلیلی ندارد که برای کشورهای جهان سوم که امروز

می‌خواهند وارد مراحل رشد شوند همان اتفاق بیفتد. اگر نامتعادل شدن توزیع درآمد برای این کشورها توأم با مکانیسم رشد آموزش و تولید باشد اشکالی نخواهد داشت، اما اگر چنین همگامی وجود نداشته باشد (که ندارد)، در این صورت تردید و نگرانی از پی آمدهای آتی وجود خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که در کشورهای جهان سوم صاحبان سرمایه بیشتر مصرف‌گرا هستند و روحیه سرمایه‌گذاری آن‌ها در مقایسه با هدف‌گرایی‌شان ضعیف‌تر است. در این‌گونه موارد معمولاً در کشورهای غرب دولت‌ها وارد می‌شوند تا از طریق مالیات، پس‌اندازها را وارد بودجه خودشان کنند و سپس سرمایه‌گذاری انجام دهند. در کشورهای جهان سوم نظام مالیاتی ضعیف است. راه دیگر این است که نظام بانکی قوی وجود داشته باشد تا به جای دولت پس‌اندازها را جمع‌آوری و سرمایه‌گذاری کند. نظام بانکی نیز در کشورهای جهان سوم ناقص و ضعیف است. عملاً دولت‌ها با این مسأله مواجه می‌شوند که از کسری بودجه استفاده کنند و کسر بودجه باعث افزایش تورم می‌شود و تورم مشابه این است که تمام مردم مالیات می‌پردازند و اگر این عمل چند سال ادامه پیدا کند جامعه را به فقر می‌کشاند.

عدم تعادل در صورتی پذیرفتنی است که مکانیزم‌های دیگری در کنار آن وجود داشته باشد. اما در کشورهای جهان سوم به این آسانی نیست. زیرا خصوصیات متفاوتی در این کشورها وجود دارد. مثلاً ممکن است رشد در بخش خدمات وجود داشته باشد ولی نامتعادل شدن درآمد توأم با رشد تولیدات نباشد و نتیجتاً توزیع درآمد به تدریج نامتعادل گردد که در این صورت از نظر اقتصادی توجیهی برای پذیرش عدم تعادل وجود نخواهد داشت.

به‌عنوان مثال، در ایران آموزش گسترش یافته و صنعت و تکنولوژی نیز تغییر یافته است (نسبت به ۵۰ سال قبل) ولی این اتفاقات به‌صورت درون‌زا نبوده که موجب افزایش تولید گردد، بلکه به‌واسطه وجود درآمد نفت، درآمد و مصرف جامعه افزایش یافته است. در روند رشد واقعی، رشد درون‌زا دارای خصلت افزایش بازدهی تولید است اما در جهان سوم رشد از طریق بازرگانی خدمات صورت می‌گیرد و خصلت افزایش آموزش و تولید صنعتی و کشاورزی را ندارد و نتیجتاً توجیهی برای قبول عدم تعادل وجود نخواهد داشت.

۵. توصیف مدل<sup>۱</sup>

در این الگو ابتدا کل خانوارها را به چند گروه درآمدی مشخص تقسیم می‌کنیم و آن‌گاه چند فرض را دربارهٔ توزیع درآمد میان این گروه‌ها می‌پذیریم و سرانجام با استفاده از چارچوب جداول داده - ستانده و اطلاعات برون‌زای مورد نظر در الگو، پی‌آمد تغییر در توزیع درآمد را با گزینه‌های مختلف برپس انداز، ارزش افزوده، واردات، اشتغال، چگونگی تمرکز عوامل بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌سنجیم.

$$B \cdot Z = d$$

$$Z = B^{-1} \cdot d$$

در این روابط  $Z$  ماتریس ستونی جواب مدل است.  $d$  ماتریس متغیرهای برون‌زای مدل است که عناصر آن شامل «دیگر تقاضای نهایی» است که همه اجزای تقاضای نهایی به جز هزینه‌های مصرفی خصوصی را شامل می‌شود.

ماتریس مربع  $B$  ماتریسی به شکل زیر است:

$I - A_d$	0	$-C_d$	0
$-a_m$	I	$-C_m$	0
$-a_t$		$-C_t$	
0		$-C_s$	
$-A_v$		0	
0	0	$-\lambda^*$	0
$-\alpha_r$	0	0	I
$-r$			

۱. با استفاده از منصور اردشیری، «بررسی آثار تغییرات توزیع درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش تحلیل داده - ستانده»، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.

اجزای ماتریس B خود ماتریس‌هایی هستند که در زیر به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت. برای این منظور ابتدا فرض‌ها و روابط زیر را در نظر می‌گیریم و بر آن اساس اجزای تشکیل دهنده ماتریس B را مشخص می‌کنیم.

u و ... و ۲ و ۱ = k کل خانوارهای به u گروه تقسیم می‌شوند.

$$Y = \text{کل درآمد شخصی}$$

$$\lambda_k = \text{سهم گروه k از کل درآمد شخصی}$$

$$\lambda_k = \frac{Y_k}{Y} = \text{سهم درآمد شخصی گروه k در کل درآمد شخصی}$$

مقادیر  $\lambda_k$  اجزای برداری u بعدی  $\lambda$

$\lambda_1$	$u \times 1$
$\lambda_2$	
.	
.	
.	
$\lambda_k$	
.	
.	
.	
$\lambda_u$	

$\lambda$  بردار توزیع درآمد

وضع موجود توزیع درآمد میان u گروه درآمدی، اجزای بردار  $\lambda$  را مشخص می‌نماید. برای بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد بر سایر متغیرها می‌توان  $\lambda$  بردار جدید  $\lambda^*$  را معرفی کرد که با توزیع فعلی متفاوت است. در توزیع جدید درآمد هر گروه عبارت است از:

$$\lambda^{\circ} = \frac{Y^{\circ}K}{Y}$$

$$\lambda = \begin{pmatrix} \lambda_1^{\circ} \\ \lambda_2^{\circ} \\ \cdot \\ \cdot \\ \cdot \\ \lambda_k^{\circ} \\ \cdot \\ \cdot \\ \cdot \\ \lambda_u^{\circ} \end{pmatrix} \quad u \times 1$$

در ادامه اگر محصولات داخلی به n محصول (بخش) تقسیم شود، داریم:

n و ۱ و ۲ و ... و  $C_{ik} = \frac{e_{ik}}{Y_k}$  سهم مصرف کالای داخلی i (در کل درآمد گروه k) که هزینه مصرفی گروه درآمدی k برای کالای i است.

$C_{mk} = \frac{e_{mk}}{Y_k}$  سهم واردات در کل درآمد گروه k (الگوی واردات مصرفی) که در آن  $e_{mk}$  هزینه مصرفی کالاهای k است.

$C_{sk} = \frac{S_k}{Y_k}$  سهم پس انداز در کل درآمد گروه k (الگوی پس انداز) که در آن  $S_k$  پس انداز خصوصی در گروه درآمدی k است.

$C_{ik} = \frac{e_{ik}}{Y_k}$  سهم مالیات مستقیم در کل درآمد گروه k که در آن  $e_{ik}$  مالیات مستقیم بردرآمد گروه درآمدی k است.

از طرفی دیگر می دانیم:

پس انداز گروه k + مالیات گروه k + واردات گروه k + هزینه های مصرفی داخلی = k درآمد گروه k

یعنی:

$$\sum_{i=1}^n e_{ik} + e_{mk} + c_{ik} + S_k = Y_k$$

که با تقسیم طرفین رابطه بالا بر  $Y_k$  داریم:

$$\sum_{i=1}^n c_{ik} + c_{mk} + c_{tk} + c_{sk} = 1$$

که با توجه به مدل می‌توان  $C_{ik}$ ،  $C_{mk}$ ،  $C_{tk}$ ،  $C_{sk}$  را به صورت ماتریسی نوشت:

$$C_d = \begin{array}{c|cccc} & C_{11} & C_{12} & \dots & C_{1u} \\ & \cdot & & & \\ & \cdot & & & \\ & \cdot & & & \\ & C_{n1} & C_{n2} & \dots & C_{nu} \end{array} \quad n \times u$$

$$C_m = [C_{m1} \ C_{m2} \ \dots \ C_{mu}] \quad 1 \times u$$

$$C_s = [C_{s1} \ C_{s2} \ \dots \ C_{su}] \quad 1 \times u$$

$$C_t = [C_{t1} \ C_{t2} \ \dots \ C_{tu}] \quad 1 \times u$$

بدنه اصلی الگو شامل قسمت‌های مبادلات بین بخش‌ها و تقاضای نهایی برای محصولات داخلی است. تقاضای نهایی به دو بخش مصرف خصوصی و «دیگر تقاضای نهایی» شامل هزینه‌های مصرفی دولت، تشکیل سرمایه ثابت، تغییر در موجودی و صادرات تقسیم شده است. بردار دیگر تقاضای نهایی (d) ثابت و برون‌زا است. در مدل برای آن که تأثیر احتمالی توزیع مجدد درآمد به اشتغال و رشد اقتصادی معلوم گردد، چارچوب متعارف داده - ستانده گسترش یافته و ضرایب اشتغال و سرمایه (نسبت افزایش سرمایه به تولید) نیز در آن گنجانیده شده است.

بنابراینچه گذشت اجزای دیگر ماتریس یافته B عبارت‌اند از :

$$A_d = \begin{vmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ a_{n1} & a_{n2} & \dots & a_{nn} \end{vmatrix} \quad n \times n$$

ماتریس ضرایب فنی داخلی

که در آن :

تعداد بخش‌ها n و ۱ و ۲ و ... و i جزو i

$$a_{ij} = \frac{x_{ji}}{X_j}$$

$x_{ij}$  محصول داخلی بخش i است که به صورت واسطه‌ای در بخش j مصرف شده،  $X_j$  محصول ناخالص بخش j به قیمت بازار است.

$$a_m = [a_{m1} \ a_{m2} \ \dots \ a_{mj} \ \dots \ a_{mn}] \quad 1 \times n$$

$$a_{mj} = \frac{m_j}{X_j}$$

و  $m_j$  وارداتی است که توسط بخش j به صورت واسطه‌ای مصرف شده است

$$A_v = \begin{vmatrix} a_{v1} & a_{v2} & \dots & a_{vn} \\ a_{2v} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ a_{nv} & a_{n2} & \dots & a_{nn} \end{vmatrix} \quad v \times n$$

ماتریس ضرایب ارزش افزوده

که در آن:

$$a_{vj} = \frac{W_{vj}}{X_j}$$

$W_{vj}$  جزء  $V$  ام از ارزش افزوده بخش  $j$  است و  $(V = ۱, ۲, \dots, t)$  اجزای ارزش افزوده است.

$$a_t = [a_{t1} \ a_{t2} \ \dots \ a_{tj} \ \dots \ a_{tn}] \ 1 * n$$

که در آن:

$$a_{tj} = \frac{T_j}{X_j}$$

و  $T_j$  خالص مالیات غیرمستقیم پرداختی بخش  $j$  می‌باشد.

$$a_1 = [a_{11} \ a_{12} \ \dots \ a_{1j} \ \dots \ a_{1n}] \ 1 * n$$

که در آن:

$$a_{ej} = \frac{L_j}{X_j}$$

و  $L_j$  عده کارکنان بخش  $j$  است.

$$\Gamma = [\Gamma_{R1} \ \Gamma_{R2} \ \dots \ \Gamma_{Rj} \ \dots \ \Gamma_{Rn}] \ 1 * n$$

که در آن:

$$\Gamma_{Rj} = \frac{\Delta K_j}{\Delta X_j} = \frac{I_j}{\Delta X_j} = \text{ICOR} = \text{نسبت افزایش سرمایه به تولید}$$

با داده‌های فوق اجزای ماتریس مربع  $B$  مشخص می‌گردد و برای ایجاد هماهنگی میان

سطرها و ستون‌ها خانه‌های ۰ و ۱ نیز به صورتی که ملاحظه شد به آن افزوده می‌شود.

عده سطرها و ستون‌های ماتریس مربع  $B$  مساوی  $۵ + t + n$  است که در آن:

$n$  = عده سطرها و ستون‌های جدول داده - ستانده داخلی

$\alpha_m$  = سطر ضرایب فنی واردات به تفکیک بخش‌ها

$\alpha_t$  = سطر ضرایب مالیات به تفکیک بخش‌ها

$C_s$  = سطر ضرایب پس‌انداز به تفکیک گروه‌های درآمدی

$t$  = عده سطرها و ستون‌های ماتریس ضرایب ارزش افزوده به تفکیک بخش‌ها

$u$  = عده گروه‌های درآمدی

$\alpha_1$  = سطر ضرایب اشتغال به تفکیک بخش‌ها



$F$  = سطر ضرایب سرمایه به تفکیک بخش‌ها

باید توجه داشت که در ماتریس  $A_{\nu}$  باید درآمد شخصی اولیه در آخرین سطر منظور گردد تا از طریق عدد ۱ قطر اصلی به توزیع درآمد مطلوب،  $\lambda^0$  مرتبط شود. در الگوی مورد نظر همه مقادیر ماتریس  $B$  مگر اجزای بردار  $\lambda^0$  یعنی توزیع درآمد ثابت هستند. در مرحله سنجش، مقادیر جدید  $\lambda^0$  (شقوق مختلف توزیع درآمد میان گروه‌های درآمدی) در ماتریس  $B$  قرار داده می‌شود و با توجه به رابطه  $Z = B^{-1} \cdot d$  و با در نظر گرفتن بردار  $d$  یعنی ماتریس دیگر تقاضای نهایی که در سنجش‌های گوناگون برون‌زا و ثابت است، در هر مرحله ماتریس  $Z$  جدیدی به دست می‌آید که در مقایسه با وضعیت موجود از این طریق می‌توانیم تأثیرات توزیع مجدد درآمد را بر متغیرهای یاد شده به صورت کمی اندازه‌گیری کنیم.

### محدودیت‌های مدل

قبل از پرداختن به ساختار الگو و تفسیر نتایج حاصل از حل مدل لازم است که محدودیت‌های مختص الگوی داده - ستانده و محدودیت‌های کلی الگوی توزیع درآمد مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان براساس آن‌ها دقت تفسیر و توجه اقتصادی را بیشتر کرد. محدودیت‌های مذکور به شرحی است که در پی می‌آید.

الف) محدودیت‌های الگوی داده - ستانده

تکنولوژی ثابت فرض می‌شود، یعنی عدم جانشینی عوامل تولید.

نبود صرفه‌های حاصل از مقیاس تولید.

عدم محدودیت در عرضه عوامل.

برون‌زا بودن تقاضای نهایی.

ب) محدودیت‌های الگوی توزیع درآمد

میزان پس‌انداز بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری خصوصی تحقق یافته در این الگو برابر

$$S = I$$

فرض می‌شود، یعنی

قیمت‌ها و نرخ‌های دستمزد در این الگو ثابت است و بر اثر توزیع مجدد درآمد تغییری

نمی‌کند.

تأثیر توزیع مجدد درآمد بر الگوی مصرف شهری و روستایی بی‌اثر است، یعنی سهم هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی برای تولیدات و پس‌انداز خانوار شهری و روستایی نسبت به درآمدها همواره در این الگو ثابت فرض می‌شود. مدل مذکور تنها برای کوتاه‌مدت قابل استفاده است، لذا استفاده از نتایج در بلندمدت مقدر نیست.

مدل مورد بررسی قادر به بررسی کیفی الگوی مصرفی خانوارهای شهری و روستایی نیست، لذا پدیدهٔ چسبندگی مصرف را توضیح نمی‌دهد. در این مدل فرض می‌شود که محدودیت ظرفیت تولید وجود ندارد. در این مدل بخصوص در مورد اقتصاد ایران صادرات نفتی به‌عنوان یک منبع درآمدی برون‌زا فرض می‌شود.

### پایه‌های آماری پژوهش

در جهت انجام این پژوهش و رسیدن به نتایج آماری از جدول داده - ستانده سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران استفاده شده است. این جدول در ابعاد گوناگونی تهیه شده که عبارت‌اند از  $78 \times 78$  بخش و  $15 \times 15$  بخش. این جدول از نوع جداول نو داده - ستانده است که با استفاده از تکنولوژی کالا تهیه شده است.

واردات در این جدول که شامل واردات واسطه و نهایی است به قیمت سیف و صادرات نیز به قیمت فوب است.

تقاضای نهایی این جدول شامل مصرف نهایی خانوار، مصرف نهایی دولت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تغییر در موجودی انبار و صادرات است.

قسمت ارزش افزوده نیز شامل جبران خدمات کارکنان، خالص مالیات بر تولید و واردات، و مازاد عملیاتی ناخالص است.

در این مقاله ما از فرم همفرزنی شده جدول داده - ستانده  $15 \times 15$  استفاده کرده‌ایم و آن را به جدول  $4 \times 4$  که شامل بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات است، محدود کرده‌ایم. سایر آمارهای لازم برای محاسبهٔ درآمد شخصی کل کشور عبارت‌اند از:

درآمد ملی و انتقالات از خارج (کتاب حساب‌های ملی ایران). مالیات بر سود شرکت‌ها، سود تقسیم شده شرکت‌ها، درآمد دولت از انحصارات و مالکیت دولت، درآمد بخش نفت و گاز، پرداخت‌های اشخاص بابت حق بیمه، سایر مالیات‌های مستقیم (کتاب بودجه سال‌های ۷۲ - ۱۳۷۰. وصولی شهرداری‌ها از اشخاص بابت عوارض (اخذ شده از کارشناسان دفتر عمران و مسکن شهری سازمان برنامه و بودجه). پرداخت‌های انتقالی دولت به خانوارها (تعاریف و طبقه‌بندی حساب‌های دولت، بانک مرکزی).

### نتایج برآورد مدل و بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران

مدل شبه داده - ستانده مورد استفاده در این پژوهش، همان‌طور که ذکر شد، در قالب برنامه‌های اشتغال سازمان بین‌المللی کار طرح شده و گسترش یافته است. لازم به یادآوری است که این مدل پنج بار برای ایران آزمایش شده است. نتایج مطالعه در این مورد عموماً نشان می‌دهد که توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین، نتیجه‌اش افزایش در محصول ناخالص داخلی، اشتغال کل، درآمد شخصی روستاییان، دستمزد، پس‌انداز شخصی کل و کاهش مالیات و درآمد طبقات بالای درآمدی و بهره‌وری است.

همچنین در این مدل تغییر توزیع درآمد به نفع اقشار کم‌درآمد، باعث افزایش واردات واسطه می‌گردد. در مدل توماس - زمانی (۱۹۸۸) توزیع درآمد به نفع گروه روستایی، واردات را کاهش می‌دهد در حالی که در مدل اسکولکا - گروزوئل (۱۹۷۶) این تغییر منجر به افزایش واردات می‌گردد. در مدل ارائه شده اردشیری (۱۳۷۴) و شیرازی (۱۳۷۵) توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین‌تر باعث کاهش در محصول ناخالص داخلی شده است. در مدل ارائه شده توسط جهانگرد و بانوئی (۱۳۷۶) توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین‌تر باعث افزایش در محصول ناخالص داخلی شده است.

در بررسی نتایج مدل باید مقدمات و محدودیت‌های مدل به صورت توأم مورد توجه قرار گیرد و برای اجتناب از استنتاجات نادرست باید در هر مرحله محدودیت‌های مدل، که ذکر شده است، مورد نظر قرار گیرد.

مدل مذکور طی تغییرات بعضاً افراطی در توزیع درآمد، همواره فرض‌های مذکور را با خود همراه دارد که در بلندمدت نمی‌تواند فرض‌های درستی به‌شمار آید. در این پژوهش گزینه‌های متفاوتی برای توزیع درآمد بین خانوارهای شهری و روستایی مد نظر قرار گرفته که بعضی گزینه‌های توزیع به‌نفع روستاییان و برخی بالعکس بوده است. جدول‌های شماره ۱ و ۲ نتایج این تغییرات را به‌صورت خلاصه نشان می‌دهد.

با توجه به ارقام جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود اگر سهم گروه شهری از درآمد از رقم ۷۲۹٪ به ۷۱٪ کاهش یابد و سهم گروه روستایی از درآمد از رقم ۲۷٪ به ۲۹٪ افزایش یابد، تولید سه بخش کشاورزی، معدن و صنعت افزایش و تولید بخش خدمات کاهش می‌یابد. این تغییرات مؤید این نکته است که خانوار شهری بیش از خانوار روستایی از خدمات مستفیع می‌شود، به‌نحوی که پس از کاهش درآمدی و به تبع کاهش مخارج خانوار شهری برکالاها و خدمات بخش خدمات، تولید این بخش با کاهش رو به‌رو می‌شود. در میان سه بخش مورد بررسی، تولید بخش صنعت بیش از سایر بخش‌ها رشد داشته است. در میان سایر متغیرهای کلان نیز تنها خالص مالیات‌ها، سهم درآمد شهری و بهره‌وری با کاهش رو به‌رو شده‌اند. این کاهش در مورد خالص مالیات‌ها از رقم ۱۰۰ به ۸۹/۱ در آخرین گروه توزیع درآمدی، (۵۰، ۵۰) مورد بررسی و سهم درآمد شهری از ۱۰۰ به ۶۸/۶ و درصد بهره‌وری از ۱۰۰ به ۹۹/۳ بوده است. سایر متغیرهای کلان نظیر واردات واسطه، دستمزد، پس‌انداز، مازاد عملیاتی و سهم درآمد روستایی، اشتغال و ICOR بخش‌ها با افزایش رو به‌رو بوده‌اند که در میان این متغیرها بیشترین افزایش مربوط به سهم درآمد روستایی بوده که از رقم ۱۰۰ در گروه درآمدی واقعی در سال ۱۳۷۰ به ۱۸۵/۲ در آخرین گروه توزیع (۵۰ و ۵۰) افزایش یافته است.

واردات واسطه بدین دلیل کاهش نیافته است که کاهش سهم گروه شهری از درآمد در ابتدای امر منجر به کاهش مصارف نهایی آن‌ها می‌شود و به‌همین دلیل در کوتاه‌مدت این کاهش اثری در واردات واسطه ندارد. از طرف دیگر، افزایش تولید سه بخش کشاورزی، معدن و صنعت مستلزم افزایش اشتغال است که ارقام جدول گویای همین مطلب است. البته به‌دلیل این که سهم درآمدی خانوار شهری کاهش یافته این امر می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری آنان شود که البته در مجموع با برآیند افزایش بهره‌وری خانوار روستایی، بهره‌وری کاهش

بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد ... ۵۱

جدول ۱: نتایج کمی توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران

سهم / فعالیت	۰.۷۵	۰.۷۳	۰.۷۲۸	۰.۷۱	۰.۷	۰.۶۹	۰.۶۸	۰.۶۷	۰.۶۶	۰.۶۵	۰.۶	۰.۵۵	۰.۵
کشاورزی	۹۹.۶	۹۹.۹۹۵	۱۰۰	۱۰۰.۳۷	۱۰۰.۵۸۵	۱۰۰.۷۸۱	۱۰۰.۹۷۶	۱۰۱.۱۹۱	۱۰۱.۳۶۸	۱۰۱.۵۶۵	۱۰۲.۵۳۹	۱۰۳.۵۱۹	۱۰۴.۴۹۷
معادن	۹۹.۹۱	۹۹.۹۹۹۱	۱۰۰	۱۰۰.۰۸۷	۱۰۰.۱۷۶	۱۰۰.۱۷۴	۱۰۰.۲۱۳	۱۰۰.۲۵۶	۱۰۰.۳۸۹	۱۰۰.۳۴۷	۱۰۰.۵۵۶	۱۰۰.۷۶۳	۱۰۰.۹۸۸
صنعت	۹۹.۵۸	۹۹.۹۹۵۷	۱۰۰	۱۰۰.۳۱۰	۱۰۰.۶۱۹	۱۰۰.۸۷۴	۱۰۱.۰۳۸	۱۰۱.۲۴۰	۱۰۱.۴۷۸	۱۰۱.۶۵۴	۱۰۲.۹۳۳	۱۰۳.۳۱۹	۱۰۳.۷۶۹
خدمات	۱۰۰.۳۲	۱۰۰.۰۰۳۳	۱۰۰	۹۹.۶۸۱۵	۹۹.۵۲۰۶	۹۹.۳۵۶	۹۹.۱۹۵۶	۹۹.۰۳۶	۹۸.۸۶۶۶	۹۸.۷۱۵۶	۹۸.۵۱۰۲	۹۸.۳۰۵	۹۸.۰۶۸۳
وزارت و اسطفا	۹۹.۹۶	۹۹.۹۹۹۶	۱۰۰	۱۰۰.۰۳۶	۱۰۰.۰۵۷	۱۰۰.۰۷۷	۱۰۰.۰۹۷	۱۰۰.۱۱۳	۱۰۰.۱۳۷	۱۰۰.۱۵۸	۱۰۰.۲۲۹	۱۰۰.۳۲۲	۱۰۰.۴۲۷
بخش مالیات‌ها	۱۰۰.۹۵	۱۰۰.۰۰۵۸	۱۰۰	۹۹.۶۳۸	۹۹.۵۹۰۷	۹۹.۱۱۶	۹۷.۶۴۴	۹۷.۱۷۲	۹۶.۶۹۹	۹۶.۲۲۶	۹۵.۸۷۳	۹۵.۴۸۸	۹۵.۱۱۹۱
مسترد	۹۹.۶۸	۹۹.۹۹۶۷	۱۰۰	۱۰۰.۳۱۵	۱۰۰.۳۷۴	۱۰۰.۴۸۴	۱۰۰.۵۸۴	۱۰۰.۶۹۳	۱۰۱.۱۰۳	۱۰۱.۲۰۳	۱۰۲.۵۰۵	۱۰۲.۳۱۲	۱۰۳.۶۳۱
پس‌انداز	۹۹.۹۸	۹۹.۹۹۹۸	۱۰۰	۱۰۰.۰۱۶	۱۰۰.۰۳۴	۱۰۰.۰۳۱	۱۰۰.۰۴۰	۱۰۰.۰۴۸	۱۰۰.۰۵۴	۱۰۰.۰۶۳	۱۰۰.۱۰۷	۱۰۰.۱۲۵	۱۰۰.۱۸۵
موازنه عملیاتی	۹۹.۹۸	۹۹.۹۹۹۹	۱۰۰	۱۰۰.۰۰۱	۱۰۰.۰۱۵	۱۰۰.۰۲۰	۱۰۰.۰۲۵	۱۰۰.۰۳۰	۱۰۰.۰۳۵	۱۰۰.۰۴۰	۱۰۰.۰۶۵	۱۰۰.۰۹۸	۱۰۰.۱۶۱
سهم درآمد شهری	۱۰۰.۷۵	۱۰۰.۰۰۸۳	۱۰۰	۹۷.۴۷۶	۹۵.۹۳۱	۹۷.۵۶۴	۹۷.۲۰۶	۹۱.۸۳۶	۹۰.۶۷۵	۸۹.۱۰۳	۸۶.۱۹۹	۷۵.۳۳۳	۶۸.۵۲۱
سهم درآمد روستایی	۹۲.۵۱	۹۹.۹۹۳۱	۱۰۰	۱۰۰.۶۳۵	۱۱۱.۰۴۵	۱۱۲.۷۸۷	۱۱۸.۵۸۴	۱۲۳.۱۵۵	۱۲۵.۸۷۶	۱۲۸.۵۸۳	۱۳۸.۱۲۴	۱۴۶.۶۸۹	۱۵۵.۲۵۸
التقال	۹۹.۴	۹۹.۹۹۹۴	۱۰۰	۱۰۰.۰۵۴	۱۰۰.۰۸۷	۱۰۰.۱۱۳	۱۰۰.۱۴۵	۱۰۰.۱۷	۱۰۰.۲۰۸	۱۰۰.۲۴۹	۱۰۰.۳۹۱	۱۰۰.۵۱۴	۱۰۰.۶۵۸
ICOR	۹۹.۹۴	۹۹.۹۹۹۴	۱۰۰	۱۰۰.۵۷۱	۱۰۰.۸۵۹	۱۰۰.۱۱۸	۱۰۰.۱۶۶	۱۰۰.۲۷۵	۱۰۰.۳۰۳	۱۰۰.۳۰۲	۱۰۰.۳۷۵	۱۰۰.۵۱۹	۱۰۰.۶۶۳
بهره‌وری	۱۰۰.۰۶	۱۰۰.۰۰۰۷	۱۰۰	۹۹.۹۳۷۱	۹۹.۹۰۵۳	۹۹.۸۷۶	۹۹.۸۴۱۹	۹۹.۸۱۰۲	۹۹.۷۷۵	۹۹.۷۲۸	۹۹.۵۸۵	۹۹.۴۰۸	۹۹.۲۳۰

یافته است.

به‌طور خلاصه، در میان ۱۴ متغیر مورد بررسی با افزایش سهم خانوار روستایی و کاهش سهم خانوار شهری از درآمد، (توزیع مجدد درآمد به نفع خانوار روستایی) تولید بخش صنعت و سهم خانوار روستایی بیش از سایر متغیرها با افزایش روبه‌رو شده‌اند. در مورد سهم خانوار روستایی، این افزایش از ۱۰۰ به ۱۸۵ و در مورد تولید بخش صنعت از ۱۰۰ به ۱۰۴/۷ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نتایج توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران

کاهش	افزایش
<p>ستانده بخش خدمات خالص مالیات درآمد شخصی شهری بهروری</p>	<p>ستانده بخش کشاورزی ستانده بخش معدن ستانده بخش صنعت واردات واسطه‌ای پس‌انداز شخصی جبران خدمات کارکنان مازاد عملیاتی درآمد شخصی روستاییان اشتغال سرمایه‌گذاری ارزش افزوده ناخالص</p>

مأخذ: جدول ۱.

مطابق جدول‌های ۱ و ۲، از میان چهار بخش اصلی در این پژوهش، بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت با افزایش تولید روبه‌رو و تنها بخش خدمات با کاهش تولید روبه‌رو شده است. حال باید گفت که چرا چنین اتفاقی با توجه به فرض‌های مدل در اقتصاد ایران افتاده است. با توجه به این‌که مدل قادر به بررسی کیفی الگوی مصرف میان گروه‌های درآمدی نیست، اما تا حد زیادی می‌توان باور کرد که به‌علت پدیدهٔ چسبندگی مصرف در یک مقطع زمانی مشخص، گروه درآمدی شهری به‌سادگی از سبد مصرفی کالاهای غیر ضروری و وارداتی

خود دست نمی‌کشد و گروه درآمدی روستایی نیز به سادگی جلب کالاهای غیر ضروری و وارداتی نمی‌شود. لذا توزیع مجدد به نفع گروه‌های کم درآمد روستایی، مصرف آن‌ها را بیشتر به سمت کالاهای ضروری‌تر که دارای تکنولوژی کاربر هستند سوق داده و از طرف دیگر سبد مصرفی گروه‌های پُر درآمد را که متمایل به مصرف کالاهای خدماتی و وارداتی هستند، کاهش می‌دهد. نتیجه منطقی چنین تعدیلی کاهش تولید در بخش خدمات و افزایش تولید در بخش‌های تولیدی است.<sup>۱</sup> از جمله موارد مشهود دیگر در جدول‌های ۱ و ۲ کاهش خالص مالیات‌ها است. از آنجا که ترکیب عمده مالیات‌های کشور را مالیات بر درآمد و مالیات بر واردات تشکیل می‌دهد، بنابراین با کاهش درآمد گروه شهری نتیجه منطقی کاهش مالیات‌های کشور است.

از موارد دیگر افزایش متغیرهای اقتصادی در مقاله حاضر افزایش واردات واسطه‌ای اقتصادی کشور است. از این نظر با توجه به آن که ما با افزایش تولید به‌ویژه در بخش صنعت روبه‌رو هستیم و همچنین این بخش از اقتصاد کشور به دنیای خارج شدیداً وابسته است، لذا نتیجه منطقی این پژوهش افزایش واردات واسطه‌ای اقتصاد کشور است که مطابق جدول داده - ستانده ۱۳۷۰ بدون سهم واردات واسطه‌ای در بخش صنعت مؤید توجیه فوق است. یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی پس‌انداز شخصی است. همان‌طوری که اشاره شد، مدل مذکور در اثر تغییرات افراطی در توزیع درآمد به نفع گروه‌های روستایی نتایج حاصله را نشان می‌دهد، بنابراین همان‌طور که اشاره شد، به دلیل پدیده چسبندگی، مصرف خانوارهای روستایی به طرف کالاهای ضروری‌تر کشیده شده و تمایل چندانی به مصرف کالاهای غیر ضروری وجود ندارد. لذا نتیجه منطقی افزایش درآمد آن‌ها افزایش پس‌انداز و تغییر در ساختار تقاضا به سمت مصرف کالاهای ضروری‌تر تولید بخش‌های کاربر است. از طرف دیگر، به دلیل تغییرات نسبی در تقاضای کالاهای نهایی و همچنین واسطه‌ای است که باعث تغییر در تولید بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و در نتیجه متأثر شدن اشتغال در جهت مثبت می‌شود. برآیند عوامل مشخص‌کننده نوع و میزان تغییر در اشتغال است و اهمیت نسبی هر یک از عوامل یاد شده می‌تواند تغییر کند.

۱. گسترش شهرنشینی در اکثر نقاط جهان همواره باعث افزایش تقاضای آن‌ها از خدماتی نظیر آموزش، بیمه، بانک و جز آن شده است که این مورد برای اقتصاد ایران هم مصداق دارد.

همچنین به دلیل افزایش تولید و اشتغال در بخش‌های مذکور دستمزد نیز طبیعتاً افزایش خواهد یافت. از دیگر نتایج مدل افزایش سرمایه‌گذاری است. از آن‌جا که ترکیب عوامل تولید باعث تولید خواهد شد، لذا به دلیل افزایش تولید و همچنین افزایش اشتغال سرمایه‌گذاری نیز در تابع تولید افزایش پیدا خواهد کرد. البته موارد مذکور هنگامی تحقق می‌پذیرد که محدودیت‌هایی در ظرفیت تولید بخش‌ها وجود نداشته باشد که در غیر این صورت افزایش تقاضای مصرفی در آینده تقاضای بیشتر واردات نهایی را دامن خواهد زد، و این نه تنها باعث کاهش اشتغال خواهد شد بلکه سبب ایجاد مشکل در تراز پرداخت‌های اقتصاد نیز خواهد شد. مطابق داده‌های جدول‌های ۱ و ۲ متغیر مازاد عملیاتی نیز افزایش پیدا کرده است. با توجه به فرض عدم تغییر در ترکیب اجزای ارزش افزوده، همزمان با افزایش تولید و دستمزد مازاد عملیاتی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. به دلیل افزایش مازاد عملیاتی و جبران خدمات کارکنان و کاهش خالص مالیات‌ها (که سهم ناچیزی در ارزش افزوده دارد) محصول ناخالص داخلی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. با توجه به تعریف بهره‌وری متوسط، که عبارت است از میزان ارزش افزوده ناخالص به اشتغال، در ابتدا این نتیجه گرفته می‌شود که کدامیک از متغیرهای مورد بحث نسبت به دیگری بیشتر افزایش یافته است. نتایج مدل نشان می‌دهد همراه با افزایش ملایم ارزش افزوده اشتغال به صورت شدیدتری افزایش پیدا کرده است.

توزیع مجدد درآمد به نفع طبقات درآمدی روستایی از طریق افزایش تولید بخش‌های کاربر و با بهره‌وری پایین‌تر، متوسط بهره‌وری پایین‌تر، متوسط بهره‌وری نیروی کار را نیز کاهش می‌دهد. حرکت به سمت اشتغال بیشتر با بهره‌وری کمتر ضمن افزایش پرداخت به نیروی کار باعث می‌شود که خانوارهای منتفع از این بخش‌ها درآمد شخصی بیشتری دریافت کنند. لذا در کل اقتصاد شاهد سهم نیروی کار از تولید و همچنین افزایش درآمد شخصی هستیم.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

نتیجه شبیه‌سازی حاضر نشان می‌دهد که به طور کلی می‌توان بخش‌های اقتصاد ایران را به دو گروه تقسیم‌بندی کرد:



۱. بخش‌هایی که در اثر بهبود توزیع درآمد به نفع گروه روستایی، تولید آن‌ها افزایش پیدا می‌کند.

۲. بخش‌هایی که در اثر بهبود توزیع درآمد به نفع گروه روستایی، تولید آن‌ها کاهش پیدا می‌کند.

تمام نتایج حاصل مطابق گروه‌های پیش‌گفته مورد بحث و بررسی قرار گرفت. توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های روستایی اثر مثبت بر بخش‌های تولیدی اقتصاد یعنی بخش‌های کشاورزی، معدن و صنعت؛ و اثر منفی بر تولید بخش خدمات دارد. لذا برای اصلاح ساختار اقتصادی به دلیل افزایش کاذب بخش خدمات لزوم توزیع مجدد درآمد به صورت منطقی به نفع گروه‌های درآمدی روستایی مطرح می‌شود. براساس برآورد مدل، اشتغال، سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده، پس‌انداز اقتصاد افزایش یافته است که این مسأله هم مانند مورد قبل لزوم بازنگری در توزیع مجدد درآمد ایران را گوشزد می‌کند. البته از پی‌آمدهای منفی توزیع درآمد، کاهش بودجه دولت به دلیل کاهش مالیات‌ها خواهد بود که می‌توان با اصلاح سیستم مالیاتی از نتایج منفی حاصل در بودجه کشور تا حدی جلوگیری کرد.

همچنین، کاهش بهره‌وری از دیگر نتایج این پژوهش است که می‌توان با ارتباط توسعه‌ای، تعادل و توازن بین بخش‌ها در سیستم تولید، بین بخش‌های تولیدی و خدماتی و نیز اصلاح رابطه بین مؤسسات آموزشی و بازار کار و مانند آن نتایج منفی این سیاست را کاهش داد. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد که تضادی میان توزیع بهتر درآمدها و رشد سریع اقتصادی وجود ندارد. لذا یکی از اهداف توسعه‌ای و از عوامل اصلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور واقع‌بینانه، می‌تواند بهبود توزیع درآمد و رشد سریع اقتصادی باشد. در پژوهش حاضر نشان داده شده که این اهداف لزوماً با یکدیگر ناسازگار نیستند.

مآخذ

الف) فارسی

اردشیری، منصور، «بررسی آثار تغییرات توزیع درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش تحلیل داده -

ستانده»، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۱، انتشار ۱۳۷۲.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش تعاریف و طبقه‌بندی حساب‌های دولت سال ۱۳۷۰، انتشار ۱۳۷۲.

جهانگرد و بانوئی، «بررسی سیاست‌های توزیع مجدد بر ساختار اقتصاد ایران»، اولین همایش جداول داده - ستانده، ۱۳۷۶.

سازمان برنامه و بودجه، قانون بودجه سال‌های ۷۲ - ۱۳۷۰.  
شیرازی، محسن، «اثر باز توزیع درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی»، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال‌های مختلف.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار شهری سال ۱۳۷۰.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار روستایی سال ۱۳۷۰.

مرکز آمار ایران، جدول داده - ستانده سال ۱۳۷۰، انتشار ۱۳۷۶.

تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.

جیروند، عبدالله. توسعه اقتصادی، مجموعه عقاید.

قره‌باغبان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰.

عظیمی، حسین، جزوه درسی توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

#### ب) انگلیسی

Skolka, Jiri and M.Grazuel, "Change in Income Distribution, Employment and Structure of the Economy: A Case Study of Iran", World Employment Program Research, WP, 1976.

Zamani, H. " Growth, Employment and Income Distribution: An Input-Output and General Equilibrium Study of Iran 1959-1986", Ph.D. thesis, Mary College, London University Queen, 1988.

Kuznets, Simon, "Economic Growth and Income Inequality," American Review, 45, 1955.

Myrdal, Gunnar, "Equality and Democracy", American Review, 49.